

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۶ شعبان ۱۴۳۸

جلسه: ۵۷

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد

موضوع جزئی: اسامی چهارگانه مشهور

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

اسامی چهارگانه مشهور

در مورد اسامی سوره حمد و فضیلت سوره حمد مطالبی را عرض کردیم، بعضی از دوستان درباره نامگذاری سوره حمد به مثانی سوال کردند، لازم است مقداری در مورد این مسئله توضیح بیشتری بدهیم. بطور کلی نام‌هایی که برای سوره حمد به کار رفته تقریباً حدود بیست و دو نام است. در بین این نام‌ها چهار نام و لقب معروف و مشهور هستند، ۱. ام الكتاب، ۲. فاتحة الكتاب، ۳. السبع المثانی، ۴. حمد. «حمد» در بین این چهار اسم از بقیه شهرت بیشتری دارد، نام‌های غیر مشهور هم، مثل: وافی، کافی، شافی، الشفاء، الصلاة، الدعاء، الكنز، المناجات و امثال این‌ها هستند که ما با این‌ها خیلی کاری نداریم، اما در مورد نام‌های مشهور تقریباً به دو نام اشاره کردیم.

۱. ام الكتاب

راجع به ام الكتاب، گفتیم چرا به سوره حمد ام الكتاب یا حتی ام القرآن اطلاق شده است، گفتیم این بدان جهت است که رؤس و اصول معارف قرآنی یعنی مبدء و معاد و نبوت و نیز، مسئله هدایت در سوره حمد منعکس شده است، به همین جهت نام ام الكتاب یا ام القرآن بر آن اطلاق شده است.

یک عبارتی مرحوم صدر المتالیهین شیرازی در مورد نسبت سوره حمد به قرآن دارد و می‌گوید: نسبت سوره فاتحة به قرآن، مثل نسبت انسان به جهان است، هیچ یک از سوره‌های قرآن به این جامعیت نیست و کسی که نتواند از سوره فاتحه بخش اعظم اسرار علوم الهی و معارف ربانی را استنباط کند عالم ربانی نیست و به تفسیر این سوره آنگونه که باید و شایسته است راه پیدا نمی‌کند.^۱

علی ای حال بحث این گذشت که به سوره حمد عنوان ام القرآن داده‌اند.

۲. فاتحة الكتاب

عنوان فاتحة الكتاب هم در رابطه با سوره حمد شهرت دارد، وجه اینکه فاتحة الكتاب گفته می‌شود این است که به نظر کثیری از مفسران و کسانی که در علوم قرآنی اهل تحقیق و پژوهش بوده‌اند، این اولین سوره‌ای است که به نحو کامل بر قلب پیامبر نازل شده است، در سوره‌های دیگر آیات جدا جدا نازل شده و بعد تنظیم شده است و در قالب سور در

^۱ . تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

کنار هم قرار گرفته است، اما اولین سوره‌ای که به طور کامل بر قلب پیامبر نازل شده است سوره فاتحة الكتاب است، حتی برخی از آن به عنوان اولین نام می‌برند، که اولین سوره‌ای که بر پیامبر نازل شده است این سوره می‌باشد، زمخشری می‌گوید: اکثر مفسرین عقیده دارند که نخستین سوره‌ای که بر پیامبر اکرم نازل شده است همین سوره می‌باشد.^۱

روایتی را هم قبلاً از امیرالمؤمنین (ع) نقل کردیم که اولین سوره‌ای که بر قلب پیامبر نازل شده، در مکه، فاتحة الكتاب بود. «فاول ما نزل علیه بمکه فاتحة الكتاب، ثم إقرأ بسم ربك، ثم نون و القلم»^۲.

البته اینکه آیا فاتحة الكتاب اولین سوره بوده یا خیر بعضی بر این عقیده هستند که قرائن و مؤیداتی هم غیر از روایت بر این قول وجود دارد، از جمله:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى»^۳، می‌گویند این آیه دلالت می‌کند بر اینکه پیامبر (ص) قبل از اینکه مبعوث به رسالت شوند نماز می‌خواند و آنچه که بر پیامبر در شب معراج تشریع شد، نمازهای پنج‌گانه با این هیئت است که هم اکنون وجود دارد. اصل نماز قبلاً بوده است، از طرفی در بعضی از روایات هم آمده که قوام نماز به فاتحة الكتاب است «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» لذا این دو نکته اقتضاء می‌کند که سوره حمد اولین سوره‌ای بوده که بر پیامبر اکرم نازل شده است، اگر پیامبر قبل از مبعوث شدن به رسالت نماز می‌خوانده و نماز هم بدون حمد معنا ندارد، این اثبات می‌کند که سوره حمد اولین سوره باشد.

ولی این نمی‌تواند دلیل باشد، برای اینکه اگر پیامبر نماز می‌خواند و «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» اقتضاء می‌کند که قوام نماز به سوره حمد باشد، لزوماً نتیجه آن این نیست که اولین سوره، سوره حمد است، چون بین زمانی که پیامبر نماز می‌خواند و زمانی که مبعوث به رسالت شدند یک فاصله زمانی بوده است، در آن فاصله چگونه می‌خواندند؟ آن موقع که طبق بیان شما سوره حمد نازل نشده بود، به همان ملاکی که در این فرصت می‌خوانده می‌تواند بعد از مبعوث شدن به رسالت هم نماز را بخواند، حداقل لازمه آن این نیست که اولین سوره باشد بلکه بعد نازل شده است، لذا این دلیل آنقدر قوی به نظر نمی‌آید که ما بخواهیم به این استناد کنیم برای اینکه این اولین سوره باشد، عمدتاً باید به کتب مربوطه و روایاتی که در این زمینه وجود دارد مراجعه کرد. چنانچه از نظر سندی و دلالتی تمام باشند می‌توانید استناد کنیم و بگوییم سوره حمد اولین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده است.

یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد و آن اینکه این نام حتی در عصر خود رسول خدا هم شهرت داشته است، چون در بعضی از روایات نبوی وارد شده است که «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب»^۴ و این دلالت بر این می‌کند که این سوره در نزد

۱. الکشاف، ج ۴، ص ۷۷۵.

۲. مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۶۱۳.

۳. سوره علق، آیه ۹ و ۱۰.

۴. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۹۶.

مسلمین با همین نام شناخته می‌شد. « لا صلاة لمن يقرأ بفاتحة الكتاب..»^۱ نیز همین گونه است، این را هم بعضی از بزرگان گفته‌اند.

به هر حال این اثبات می‌کند که در آن زمان به همین نام مشهور بوده است.

۳. السبع المثانی

«السبع المثانی» یعنی چه؟ خود کلمه «مثنائی» به چه معنا می‌باشد؟ در آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» از آن به «سبعاً من المثنائی» تعبیر کرده است. طبق روایاتی که در ذیل این آیه وارد شده، مقصود از «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» همان سوره حمد است، این روایات هم از شخص پیامبر است و هم از ائمه معصومین (ع)، پیامبر در این رابطه می‌فرماید: «فأفرد الامتنان علیّ بفاتحة الكتاب وجعلها بازاء القرآن العظيم»، خداوند متعال بر من منت گذاشت با سوره فاتحة الكتاب و آن را به إزاء همه قرآن قرار داد.

معنای سبع معلوم است، یعنی عدد هفت، اما مثنائی یک وصف است که هم قرآن به آن متصف شده و هم سوره حمد، مثنائی از ریشه اثناء به معنای انعطاف و گرایش خاصی است که آیات قرآن به یکدیگر دارند. یعنی آیات قرآن به گونه‌ای هستند که کأن به یکدیگر ناظر هستند و گرایش به یکدیگر دارند، و در حقیقت مفسر و مبین همدیگر هستند، وقتی هم می‌گوید «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي»، یعنی در واقع ما به تو هفت آیه از مثنائی دادیم، از قرآن دادیم، که در واقع خود این برابری می‌کند با همه قرآن، «السبع المثانی» یعنی هفت موصوف به مثنائی، یعنی چیزی که دارای انعطاف است، در واقع یعنی این هفت آیه به یکدیگر نظارت و جنبه تبیین و تفسیر دارند، همانطور که در همه قرآن این حالت است، در وجه تسمیه «السبع المثانی» عرض کردیم که وجهی برای آن نقل کرده‌اند، در آنجا گفتیم که طبق برخی از روایات هم وصف برای قرآن است و هم وصف برای این سوره، آنوقت معنای آن معلوم می‌شود، که وقتی می‌گویند «السبع المثانی» یعنی این هفت آیه‌ای که که این اثناء و انعطاف در آنها وجود دارد که نسبت به یکدیگر این حالت انعطاف را دارند.

۴. حمد

نام حمد هم به این جهت گذاشته شده است که شروع آن با حمد و ثناء الهی هست، این هم باز خصوصیتی که در این رابطه قابل ذکر بود.

اسامی غیر معروف مثل: شفاء یا شافیه، هر دو نام در برخی روایات آمده است، «شفاء لكل داء إلا الموت»، در برخی روایات وارد شده که اگر هفتاد بار سوره حمد را بر مرده‌ای خواندید و دیدید زنده شد تعجب نکنید، به هر حال چون سوره فاتحه طبق روایات هم شفاء برای بیماری‌های روحی است و هم شفاء برای بیماری‌های جسمی، از این جهت نام شفاء هم بر این سوره اطلاق شده است، کما اینکه «الشافیه» هم آمده یا مثلاً «الکافی» یعنی اینکه این کفایت می‌کند،

^۱ . وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷.

^۲ . سوره حجر، آیه ۸۷.

کفایت به این معنا است که این برای صحت عنوان نماز کفایت می‌کند، روایتی هم داریم که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که «ام القرآن عوض من غیرها و لیس غیرها منها عوضاً»^۱، سوره حمد می‌تواند عوض چیزهای دیگر باشد ولی هیچ چیز جایگزین سوره حمد نمی‌شود. چون سوره حمد است که مقوم است.

یا مثلاً فرض بفرمایید که «الکنز» یک اسم دیگر است، که روایت آن هم خوانده شد «و ان فاتحه الكتاب اشرف ما فی الكنوز»^۲، یا «نزلت فاتحة الكتاب بمكة من كنز تحت العرش»^۳.

بحث جلسه آینده

یک بحث دیگری که در اینجا قابل ذکر است و به نوعی یک بحث فقهی هم می‌تواند شمرده شود، این است که «بسم الله الرحمن الرحيم» جزئی از سوره حمد هست یا خیر؟ آیا این «بسم الله الرحمن الرحيم» مثل سایر سور است که در ابتدای آنها بسم الله آمده یا فرق می‌کند، چون گفتن آن در نماز به عنوان یک واجب باید بررسی شود، اگر گفتیم بسم الله جزء سوره حمد نیست آنوقت گفتن آن دیگر در نماز ضروری نیست، چون آنچه که در نماز معتبر است و قوام نماز به آن است، سوره حمد است، و اگر گفته شود، بسم الله جزء سوره است قهراً گفتن آن لازم می‌شود و بدون آن در حقیقت یعنی یکی از اجزاء چیزی که مقوم نماز است را کنار گذاشتیم.

مطلب دوم آمین گفتن بعد از سوره حمد، که آیا این باید گفته شود یا خیر، در حال حاضر برادران اهل سنت بعد از گفتن «ولا الضالین»، آمین می‌گویند، علت آن هم درخواست هدایت از خداوند است. حال آیا مجوزی برای گفتن آن وجود دارد یا خیر.

این دو بحث که در این موضع مطرح می‌شود به نوعی بحث فقهی است که مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. تفسیر ابوالفتوح، ج ۱، ص ۱۳.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۴.

۳. درالمنثور، ج ۱، ص ۱۰.